

میلیون ها عراقی با حضور در تشییع پیکر مطهر رهبر مجاهد شهید انقلاب
در نجف و کربلا، حماسه ای تاریخی آفریدند

عشق بدون مرز

صفحه ۳

کلمه فقیه در نماز شهید

یادداشت
محمد رستم پور

مرگ با همه هیمنه و هیبتش، با همه ترس و اضطرابش، با همه شور و شگفتی اش، نشانه ای است از گذران دنیا برای آنکه وابستگی ها و تعلق ها کم رنگ شود و عبور، نماندن، نخوابیدن و به حد ضرور بسنده کردن، خرقة آدمی شود. مرگ، رحیل خواننده شده تا سفر، اصل باشد و وطن، فرع و قلب و دلی که ایمان گرفته و تسلیم شده، حرمت پیدا کند چه روح داشته باشد و چه روح از آن جدا شده باشد. همه آداب تجهیز و تشریفات مرگ مسلمانان به احترام ایمان و تعلق جان به اعتقادات، چنان است که انتقال از عالم ماده به نشئه ملکوت برای زندگان باور پذیر باشد. آن که در رحیل است، به بازماندگان سلامی دهد شما هم توشه بر گیرید که دبری نیست شما هم سوزه انتقال بانسید. تشییع و نماز و وداع و بدرقه همه در اسلام آداب دارد و حتی ۵ تکبیری بودن نماز میت، یادآوری پنجگانه نمازی است که مسلمان در هر شبانه روز باید اقامه کند. شهادتین و صلوات و طلب آمرزش برای مسلمانان و درخواست آمرزش برای آن که اینک راهی دیدار با خداوند است، آخرین کلماتی است که بر گوش آن که هست اما جسمانی ندارد، خوانده می شود. با این نماز است که دروازه های عالم ملکوت باز می شود و آسمان، مهیای در بر گرفتن روح پیکری می شود که در خاک گذاشته می شود.

ادامه در صفحه ۴

راز پرچم های سرخ

دیدگاه
محسن ردادی

تشییع پیکر پاک حضرت آیت الله العظمی شهید سیدعلی خامنه ای فقط مراسم وداع و بدرقه نبود. اگر کسی تنها به جمعیت انبوه یا اشک های مردم نگاه کند، مهم ترین بخش این رخداد را از دست داده است. آنچه بیش از هر چیز چشم را به خود جلب می کرد، پرچم های سرخی بود که بر فراز جمعیت موج می زد و شعارهایی بود که بیش از «ماتم»، از «خونخواهی» و «انتقام» سخن می گفت. همین صحنه، پرسشی مهم را پیش رو قرار می دهد: چرا جامعه ایران در این مراسم، از مرز اندوه عبور می کند و به زبان «کین خواهی» سخن می گوید؟ چرا بیش از پرچم سیاه عزاء، پرچم سرخ خونخواهی برافراشته شد؟ پاسخ را باید در یکی از کهن ترین لایه های فرهنگ ایران جستجو کرد: جایی که «خون» نشانه مرگ نیست، بلکه پدیدهای است که به حافظه تاریخی ایرانیان سامان می دهد. در سنت ایرانی، خون بی گناه اگر بر زمین بریزد، تنها یک قربانی بر جا نمی گذارد، بلکه نظم اخلاقی را بر هم می زند که جامعه خود را موظف به جبران آن و برپایی عدالت می داند. از همین جاست که «کین خواهی» متولد می شود: مفهومی که با «تلافی» و «تقاص شخصی» تفاوتی بنیادین دارد و بیش از آنکه درباره خشونت باشد، درباره بازگرداندن عدالت، ترمیم حرمت شکسته شده و بازسازی هویت است.

ادامه در صفحه ۲

ترامپ و کابوس خیابان های بیدار

نگاه
ایلیا داوودی

سخنان دیروز دونالد ترامپ علیه ایران و ایرانیان، به تمامی آشفتگی و استیصال او را نشان داد. او با همان ادبیات همیشگی اش، با تهدید، تحقیر و عصبانیت سخن گفت: از پایان آتش سبب حرف زد، از «تمام کردن کار» گفت و بار دیگر کوشید تصویر یک قدرت مسلط و پیروز را از خود بسازد اما این حجم از عصبانیت از کجا می آید؟ چرا درست در روزهایی که گمان می کرد باید صحنه را با نمایش قدرت نظامی مدیریت کند، چنین بی قرار و خشمگین سخن می گوید؟ پاسخ را باید نه در اتاق های بسته واشنگتن، بلکه در خیابان های تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد مقدس جستجو کرد. آنچه ترامپ را واقعا عصبانی کرده، نه صرفاً پاسخ های رسمی ایران، نه بیانه های سیاسی و نه حتی محاسبات نظامی است، او از صحنه های عصبانی است که نمی تواند آن را با بمب تحریم، تهدید یا عملیات روانی پاک کند. حضور باشکوه مردم ایران و عراق در تشییع رهبر بزرگی که به یک رفاندوم خیابانی درباره حقیقت قدرت تبدیل شد. روشن است ترامپی که سودای محبوبیت، شهرت و دیده شدن دارد، تا چه اندازه از دیدن چنین تصاویری احساس حقارت می کند؛ از دیدن جایگاه رفیع حضرت آیت الله العظمی شهید خامنه ای نزد مردم جهان و از تحمل وضع رقتبار و تحقیر آمیزی که خود را در آن می بیند.

ادامه در صفحه ۲